

زن در پیشینه پارسیان



◆ سمیرا فرخ منش

کسانی از آن مطلعند. بررسی جایگاه زن در ایران باستان و در دوره‌های هخامنشی و آیین زرتشت که به نوعی دوره آغاز شکل‌گیری سرزمین آریایی‌هاست، نشان‌دهنده سطح والای فکری مردمان آن روزگار است که در بسیاری موارد، افسوس را با خود به ارمغان می‌آورد. چرا که اگر تحولات ناشی از حکومت‌های گوناگون آن زمان تغییری در شرایط زیستی آدمیان ایجاد نمی‌کرد، ایران و ایرانی، هم‌اکنون به عنوان بزرگترین مدعی حقوق انسانی در دنیا شناخته می‌شد. و این عنوان را زینت نام خود می‌کرد. کشور ما، در گذشته شاهد تحولات عمیق سیاسی و اجتماعی بسیاری بوده که با هر تغییری، شاکله فرهنگ و جامعه ما نیز دستخوش نوسانات اجتماعی و اعتقادی می‌گشته است. با به روی کار آمدن حکومت جدید و قوانینی تازه، آداب جدیدی نیز بر فضای سیستم اجتماعی

تسلط لازمه‌های عصر ماشینیم بر ماهیت وجودی انسان، فرصت اندیشیدن به جنبه‌های زیستی بشر را در بسیاری مواقع از آدمی سلب می‌کند و این موهبت یکی از دهها نتایج ارزشمند انقلاب صنعتی به شمار می‌آید. شاید اگر در روزگار برتری رباط‌ها بر آدمی اندک زمانی هم برای "باز شناخت" دوره‌های پیشین جوامع بشری وجود داشت، از بروز بسیار نامالیقات فکری جلوگیری به عمل می‌آمد.

از عمده‌ترین این نامالیقات، بررسی ماهیت حقیقی زن در عصر کنونی است. این مقوله به حدی پر سر و صداست که نیمی از حجم مکاتب فکری جدید را به خود اختصاص داده است که نتیجه آن را می‌توان در آموزه‌هایی با عنوان "فمنسیم" جستجو کرد. فمنسیم یا تساوی حقوق زنان و مردان به عنوان مقوله‌ای اعتراض‌آمیز به نابرابری‌های موجود میان دو جنس انسانی می‌پردازد که گذر زمان به شاخه‌های متعددی تقسیم شده و آثار مثبت و منفی بی‌شماری از خود به جا گذاشته. سرزمین پارسیان به روشنی یادآور افتخاراتی است که نمونه آنرا در کمتر نقطه‌ای از دنیای گذشتگان می‌توان یافت. نمونه‌هایی که اگر تا بدین روز سیر طبیعی خود را طی می‌کرد، دیگر نیازی به فمنسیم و فمینیست‌ها نبود. اما صدافسوس که این افتخارات در صندوقچه خاطرات این سرزمین مدفون شده و حتی کمتر

حکم فرما می‌شد. و سنن دوره قبل یا به فراموشی سپرده می‌شد و یا تغییر می‌کرد. از آغاز کار، در حین بررسی جوامع نخستین که آدمیان با میوه‌ها و برگ‌های درختان تغذیه می‌کردند و زندگی گله‌واری را سپری می‌نمودند، مشاغل به صورت دسته جمعی انجام می‌شد و زن و مرد با هم به ماهیگیری و شکار می‌رفتند. در زمینه ازدواج نیز قاعده مشخصی وجود نداشت. به طوری که اولین قوانین مربوط به ازدواج و نکاح در دوره پس از کمون اولیه (به تعبیر مارکس) شکل گرفت. و در آن دوره تمام زنان و مردان متعلق به همدیگر بودند. حالتی که هنوز در برخی مناطق هندوستان و قبایل آفریقایی باقی مانده است. این دوران متعلق به هزاران سال پیش از میلاد است که به واسطه فعالیت همه‌جانبه زن در امور خانه و محیط خارج، و تسلط او بر امور کشاورزی قسمت بزرگ قدرت موجود به زن تعلق می‌گرفت. یعنی به دلیل مشارکت زنان در تامین نیازهای زندگی در کنار مردان و حکم‌فرمایی آنان در خانه، به تدریج سیستمی شکل گرفت که به واسطه آن بخش زیادی از امور به عهده زنان گذارده شد. در اصطلاح این دوره به دوره "مادر شاهی" معروف است. دوره‌ای که ارزش زن نسبت به مرد فزونی داشت.

ویل دورانت در ارتباط با این دوره زمانی در ایران می‌گوید: "در این دوران یعنی دوران مادر شاهی، حق فرمانروایی و قضاوت، حق اداره امور خانواده، و تقسیم‌بندی خوراک، همه در دست زن بود. مرد اگر در جنگل‌ها مواد خوراکی پیدا می‌کرد در اختیار زن می‌گذاشت تا بین افراد قبیله توزیع کند. اختلاف نیروی بدنی که امروز بین زن و مرد مشهود است، در آن روزگار آنچنان قابل ملاحظه نبود. این اختلاف نیروی جسمانی بعدها از لحاظ شرایط زندگی و محیط زیستی پیدا شد. زن در این دوره، از حیث بلندی قد و نیروی جسمانی نه



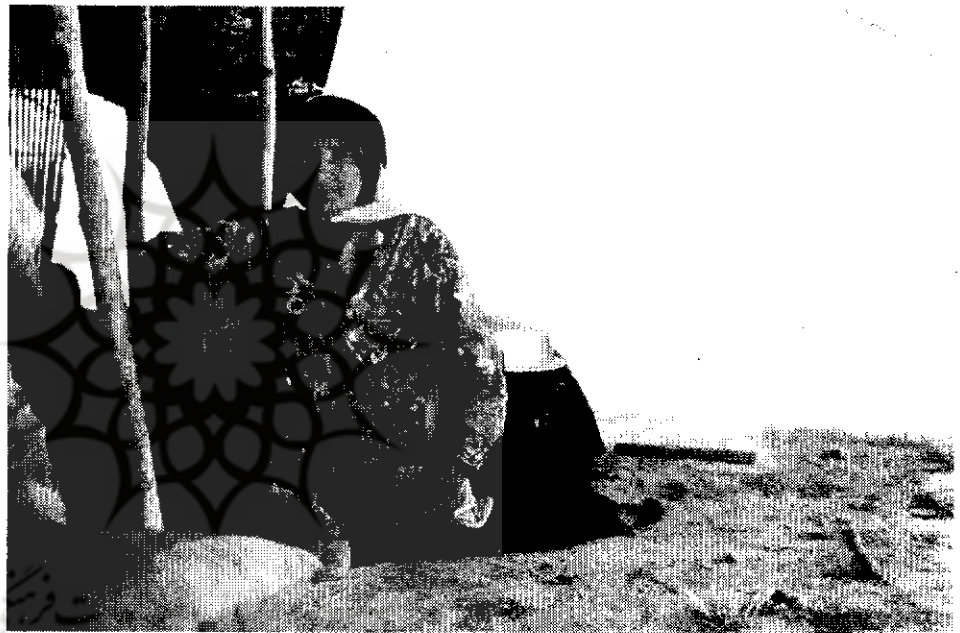
تنها دست کمی از مرد نداشت، بلکه به اقتضای شرایط کاملاً نیرومند بود و می‌توانست ساعت‌های درازی را به کارهای دشوار بپردازد... وظایف زنان در این دوره بسی بیشتر از مردان بود، به طوری که اگر این مسوولیت‌ها به عهده مردان واگذار می‌شد شاید از عهده آن بر نمی‌آمدند و همین امر عدم تعادل میان حقوق زن و مرد را بیش از پیش افزایش داد. به طوری که تمام عنوان‌های خانوادگی نیز به نام زنان خوانده می‌شد و رهبری‌های اقتصادی و اجتماعی قبایل از وظایف آنان به شمار می‌آمد. چنین رخدادهایی که آغاز آن در فلات ایران بود، باعث تاثیرگذاری

دلیل نیاز به همکاری و نیروی عضلانی بیشتر، دخالت زن در امور کشاورزی کمتر شد. همین موضوع زمینه‌ساز یکجانشینی زن در خانه و کناره‌گیری او از مشاغلی بود که تا پیش از آن در کنار مردان به آنها مبادرت می‌ورزید. این روند یکسان تا زمان روی کار آمدن هخامنشیان و شکل‌گیری بزرگترین نمود تمدن بشری ادامه داشت. تا پیش از پیدایش حکومت هخامشی، در دوره مادها که روابط نزدیکی با تمدن بین‌النهرین داشتند و محدوده حکمرانی‌شان تا جنوب روسیه می‌رسید، کمی از غلظت فرماندهی زنان یا به عبارتی رژیم مادر شاهی کاسته شد. و شماری از

مسوولیت‌های آنان، به مردان واگذار گردید. اما با این حال جایگاه ویژه زنان نزد مردان حفظ شده بود.

در زمان مادها پوشش زنان تفاوت چندانی با مردان نداشت و طبق قوانین موجود آن زمان دختر و داماد پادشاه می‌توانستند جزو وارثین وی باشند. با ورود هخامنشیان و بنیانگذار آن کوروش بزرگ، ارزش وجودی زن نیز به بالاترین درجه خود رسید. در این دوره است که ما شاهد بروز برترین جلوه‌های انسانی در میان بافت جمعیتی آن زمان هستیم. اما صد افسوس که با گذر زمان و به روی کار آمدن حکمرانان بعدی، ماهیت و آداب آن دوره نیز به تدریج کمرنگ شد. و جای خود را با یک سری ناملازمات اجتماعی عوض کرد.

با روی کار آمدن هخامنشیان و قوانین وضع شده توسط آنها وضعیت "زنان" در حالت ثبات و اعتدالی ارزشمند قرار گرفت. به طوری که نمونه آن قوانین، آن زمان در میان هیچ یک از ممالک و اقوام یافت نمی‌شد. اما با اجرای قوانین کوروش بزرگ بر سرزمین پارسیان، زن از چنان درجه احترامی برخوردار شد که آوازه آن به دیگر اقوام نیز رسید و همین امر باعث پیروی آنان از آداب اصیل ایرانی گشت. مشهورترین نمونه تساوی حقوق زنان و مردان در ایران باستان اجازه انتقال سلطنت از پادشاه به دختر بود. همانطور که گفته شد، آخرین پادشاه مادها "آستیاک" دارای فرزند پسر نبود و همین امر باعث جانشینی دختر وی شد. دختر آستیاک کسی نبود جز شاهزاده ماندانا مادر کوروش بزرگ همین مساله در انتقال قدرت به کوروش نقش مهمی را بازی کرد. ماندانا همچنین موسس مدارس هخامنشی برای نوجوانان ایرانی بود که در آن فنون تیراندازی و اسب سواری را آموزش می‌دادند. در حین بررسی وضعیت زنان در عصر هخامنشی به نام‌هایی بر می‌خوریم که شاید هیچ‌گاه پس از آن، اثری از چنین رویدادهای و وقایعی را در تاریخ ایران نبینیم. جلوه‌هایی درخشان از فعالیت زنان آن دوره، که ریشه در اصالت دیرین مردمان این کهن بوم پهناور دارد. مردمی که آموزه‌های انسانی‌شان تا بدین روز سرلوحه بسیاری از مدعیان فرهنگ، باقی مانده است. این کارنامه درخشان که با اسامی زیبایی پارسی مزین شده حکایت از اندیشه والای پیشینیان ما دارد که متأسفانه کمتر از آنچه که باید، به آن می‌پردازیم.



◀◀ با اجرای قوانین کوروش بزرگ بر سرزمین پارسیان، زن از چنان درجه احترامی برخوردار شد که آوازه آن به دیگر اقوام نیز رسید و همین امر باعث پیروی آنان از آداب اصیل ایرانی گشت

این آداب بر روی همسایگان ایران شد و تداخل فرهنگ و رسوم، قواعد جدیدی را شکل داد که از جمله این قواعد پرستش "الهیة مادر" بود. از شواهد این امر یافتن مجسمه‌ای در لرستان بود این مجسمه صورت سر زنی تمام رخ بود که به گفته گیرشمن مورخ شرق شناس، این زن می‌تواند رب‌النوع اقوام شرقی قدیم که مورد پرستش واقع می‌شدند، باشد. نمونه این آثار قدیمی و مجسمه‌های به جا مانده در نقاط دیگری مانند اطراف ایلام یا تپه‌های اطراف فارس و مناطقی در شهر ری نیز بدست آمده که می‌تواند نشانگر پرستش زنان در دوره‌های مذکور باشد.

با پیدایش فلز در عرصه جوامع بشری قالب فعالیت مردمان تغییر کرد و با ساخت ابزار جدید به

در زمان هخامنشیان، یک زن برای نخستین بار در تاریخ به مرتبه دریاسالاری (فرماندهی نیروی دریایی) خشایار شاه رسید که نامش "ارتمیس" بود. اما حکایت به ارتمیس ختم نمی‌شود. بلکه تعداد بی‌شماری از زنان آن دوره مسوولیت‌هایی را به عهده داشتند که نه تنها در دوره‌های بعد از حکمرانی کوروش، بلکه در شرایط کنونی نیز، شاهد چنین رویدادی نخواهیم بود! ژنرال آرسیاب زنی داشت با نام "پانتنه" که فرمانده گارد جاویدان بود. "استاتیرا" دختر داریوش سوم فرمانده نیروهای جنگی آن زمان بود. "آزمیدخت" دختر خسرو پرویز پس از مرگ خواهرش "پوران" به پادشاهی رسید. "ارتونیس" یکی از شجاع‌ترین فرماندهان جنگی زمان داریوش بود. و "پری ساتیس" زن داریوش دوم در زمان حکمرانی شوهر از ارتشبدان آن زمان به شمار می‌رفت. "آرتادخت" رییس خزانه پادشاه چهارم اشکانی بود. و "سورا" دختر اردوان پنجم در نیروی ارتشی پدر سمت سپهبدی داشت. "پرین" دختر قباد مشاور امور قضایی ساسانیان بود. و آزاد دیلمی فرمانده یک باند چریکی بود که در گیلان سال‌ها علیه متجاوزین به ایران جنگید و سرانجام کشته شد. این دسته در زنان یا کسانی همچون "سمیرامیس" ملکه آشور و بابل که در جنگجویی و شجاعت در زمان خود همتا نداشت و یا "بلقیس" که قسمتی از یمن آن زمان، تحت فرماندهی وی بود، می‌توانند نمادی از تمدن والای انسانی در جوامع پیشین ایران به شمار روند. اما افتخارات برجای مانده از ایران باستان در همین محدوده خلاصه نمی‌شود. بلکه با تعمق بیشتر در آداب و آیین‌های قوم آریایی و تعالیم زرتشت که در آن زمان تازه به مرحله ظهور رسیده بود، جایگاه زن ایرانی بیش از پیش نمایان می‌شود. بنا به اعتقادات آن زمان پیش از آنکه انسانی متولد شود، دو ساقه ریواس که در هم پیچیده‌اند در مهر ماه از زمین بیرون می‌آیند که این دو گیاه به تدریج به شکل انسان در می‌آیند. که بسیار در ظاهر شبیه هم بودند. یکی از آنها مذکر بود با نام "مشیه" و دیگر مؤنث با عنوان "مشیهانه" که طبق روایات، این امر به دستور اهورا مزدا انجام گرفته است. به باور مردمان آن زمان شش فرشته (امشاسپند) در مقام پایین‌تر از اهورا مزدا قرار داشتند که ۳ تای آنها مذکر و ۳ فرشته مؤنث بودند با نامهای: سپند ارمذ، هروتات و امرتات که نماد صفات زنانه آن زمان بودند. سپندارمذ مظهر شکیبایی و مهر و

صلح بود و امرتات به معنای جاودانگی و پایداری بود. امرتات فرشته‌ای بود با مسوولیت نگهبانی گیتی. و هروتات که سمبل کمال اهورا مزدا به شمار می‌رفت. خصوصیات ذکر شده که در فرشتگان انتخاب شده اهورا مزدا یافت می‌شد، مظهر ویژگی‌های ظاهری و اخلاقی زنان مطلوب آن دوره بود و عدد، امتیاز و برتری میان دو جنس آفریده شده را روشن می‌ساخت. "زن" در ایران باستان به معنای واقعی در هر مکان و زمان به طور برابر در فعالیت‌های سیستم اجتماعی شریک مرد بود و حتی در جهت قوانین دینی می‌توانست به مرحله "زوت" برسد. یعنی درجه‌ای در مقام بالای مذهبی که لازمه آن فراگیری علوم دینی تابالانترین مرحله آن بود.

"روز زن" نیز یکی از جلوه‌های ویژه جایگاه

◀◀ در زمان هخامنشیان، یک زن برای نخستین بار در تاریخ به مرتبه دریاسالاری (فرماندهی نیروی دریایی) خشایار شاه رسید که نامش "ارتمیس" بود



زنان در عصر باستان بود. این در حالیست که در آن دوره اقوام دیگر مشغول جنگ و جدال در کوهها و بیابان‌ها بودند و حتی در یونان و روم باستان که ادعای تمدن بالای بشری را داشتند کشتن همسر بدست مرد امری غیر مجاز شمرده نمی‌شد. در این گیر و دار بی‌قانونی بود که "ایرانی" روزی را برای قدردانی از زن اختصاص داده بود. این روز بنا بر گفته عده‌ای پنجم اسفندماه و عده دیگری پنج روز آغاز ماه اسفند بوده که به عنوان "روز سپاسگزاری از زنان شناخته شده است. در این روزها زنان در خانه‌ها می‌نشستند و مردان مسوولیت‌های آنان را عهده‌دار می‌شدند تا به نوعی با وظایف زن و چگونگی آن آشنا گردند.

کریستین سن (خاورشناس بزرگ دانمارکی) می‌گوید: "رفتار مردان نسبت به زنان در ایران باستان همیشه همراه با نزاکت بود. زن چه در زندگی خصوصی و چه در زندگی اجتماعی از آزادی کامل برخوردار بود. در مورد آزادی در ازدواج هیچ چیز مستندتر و موجه‌تر از رفتار خود زرتشت نسبت به دختر کوچکش "پروچیستا" نیست.

زرتشت رو به دخترش می‌گوید: من جاماسب را که مرد دانشمندی است (وزیر گشتاسب و منجم و ستاره‌شناس) برای همسری تو برگزیدم. تو با خرد مقدس خود مشورت کن و ببین که آیا او را لایق همسری خود می‌دانی یا نه...

آثار همین تفکرات در خور توجه بود که زن را در کنار مرد بی‌هیچ تمایزی قرار می‌داد. تا جایی که باستان‌شناسان در حین بررسی الواح به دست آمده از چگونگی ساخت تخت جمشید، این بنای جاودانه بی‌ظنیر، ردبای شراکت زنان را به وضوح در کنار مردان مشاهده کردند که البته این آثار و الواح هم‌اکنون در موزه‌های مختلف دنیا به خوبی محافظت می‌شود!

پس از شکست هخامنشیان، جایگاه ارزشی زن به تدریج سیر نزولی خود را طی می‌کند و باعث این امر تاثیرگذاری وضعیت اجتماعی یونانیان در آن زمان بود. این وضعیت تا زمان اشکانیان ادامه داشت. و با ظهور اشکانیان اوضاع موجود کمی تا اندکی بهبود یافت و زن تا حدی از محدوده شرایط گذشته خارج شد. اما باز به دلیل وسعت قلمرو حکمرانی اشکانیان و تناخل آداب و رسوم دیگر اقوام با ایرانیان، دگرگونی چشمگیری در سیستم اجتماعی ایران به وجود آمد که قطعاً این مساله بر روی جایگاه زنان آن زمان نیز تاثیر داشت. در آن

دوره نظام فتودالی متمرکز در حال گسترش بود و بنا بر اقتضای چنین شرایطی، زن نیز مانند زمین و دیگر کالاها، رفته رفته در قلمرو "احتیاجات" مرد قرار گرفت. تا جایی که دختر در آستانه ازدواج نخست به خانه خان و کدخدا می رفت و با کسب اجازه، ازدواج می کرد. و همین مساله بی رنگ ساختن قواعد دوره هخامنشی را نمایان می سازد. با به روی کار آمدن حکمرانان ساسانی، اندکی از تعالیم زرتشت مجدداً خود را در میان سیستم اجتماعی نشان می دهد و شرایط زیستی، محیطی زنان به نسبت دوره های قبل بهبود می یابد. آن طور که از شواهد به جامانده بر می آید، مادر شاهپور دوم، نزدیک به ۲۰ سال یعنی پیش از تولد خود شاهپور تا سن قانونی او، به همراه مشاورینش امور مملکت را اداره می کرده است.

این نوسانات اجتماعی همچنان ادامه دارد تا جایی که در عصر غزنویان تعصب بیش از حد به روی زنان حرف اول را می زند. اما سلجوقیان که پس از آنان به حکومت رسیدند، دگرگونی های قابل توجهی را در ارتباط با وضعیت زنان به وجود آوردند. برای نمونه، مهستی گنجوی که از شاعران بنام دوره سلجوقیان به حساب می آمد، از جمله زنان بی باک و معترض به نابرابری حقوق مردان و زنان آن زمان بود.

پس از این دوران، چشمگیرترین زمان در محدوده توجه به زنان، دوره صفویه است که سیر نزولی جایگاه زن، به نقطه اوج خود می رسد. در دوران صفویه با پیدایش نظام شاهنشاهی سلطنتی، مجدداً وضعیت زن به قهقرا می افتد و تعصبات پیشین مجدداً خود را بروز می دهد. اما منفی ترین جلوه جایگاه زنان در دوره صفویه پیدایش دوباره و کامل تر حرمسراها در میان درباریان و اقبشار مرفه جامعه بود تا جایی که حجم بسیاری از نوشته های مورخان مربوط به آن دوره، مختص به شرح و توصیف این بناها و نقش و نگار مربوط به آن است.

حرمسراها در زمان صفویان به نوعی شرف و آبروی کشور به حساب می آمدند و تحت هر شرایطی سربازان موظف به پاسداری از این بناها بودند. در حرمسراهای دوره صفویه زنان به ترتیب جایگاهشان رده بندی می شدند و زنان رده های پایین تر زیر دست زنان بالاتر بودند. در رده اول مادر شاه قرار داشت و پس از آن زنان عقدی شاه، زنان صفیه ای، خواجه سرایان، و خدمتگاران بودند. با



◀◀ تعمق بیشتر در آداب و آیین های قوم آریایی و تعالیم زرتشت که در آن زمان تازه به مرحله ظهور رسیده بود، جایگاه زن ایرانی پیش از پیش نمایان می شود ■

توجه به این شرایط یقیناً نیازی به توصیف وضعیت بانوان ایرانی و منزلتشان در نزد مردان نیست. اما باز هم سیستم اجتماعی تحول طلب ما، دچار نوسان می شود. و جایگاه زنان در سلسله قاجار دستخوش تغییر می گردد. گرچه در زمان قاجار اولین زمینه های قاجاق زنان و دختران ایرانی نمودار می شود. اما با وجود تمام نامالایمات و نوسانات ناشی از تغییر حکمرانان ایرانی، در دوره مشروطیت باز هم شاهد عملکرد مثبت و ارزنده زنان در بسترهای سیاسی، اجتماعی، ... هستیم. به طوری که به گفته مورخین دخالت زنان ایرانی در انقلاب مشروطه بیش از دخالت دیگر زنان خاورمیانه در انقلاب های گوناگون (مانند انقلاب اکتبر روسیه) می باشد. برای نمونه، زنان در برخی نقاط ایران (قزوین، گیلان، اصفهان، آذربایجان) در اعتراض به مقوله های متفاوت، با برگزاری راهپیمایی های متعدد خواسته های خود را بیان می کردند. برای نمونه عمه محمد میرزا جهانگیر خان صوراسرافیل که در یک انجمن سری

فعال بود، در طی فعالیتش، ماموررساندن نامه های تهدیدآمیز به شاه شد و الباقی ماجرا... گزارش های باقی مانده از دوران مشروطیت حکایت از فعالیت زنان رزمنده ای دارد که ظاهر خود را شبیه مردان در می آوردند و به منظور شرکت در جنگ در زمان محاصره شهرها توسط نیروهای شاه، تلاش بی شماری می کردند. مورگان شوستر آمریکایی در خاطرات مربوط به آن زمان می گوید:

"زمانی که شایعه تسلیم نمایندگان مجلس ملی در مقابل خواسته های روس قوت پیدا کرد این سوال پیش آمد که چه کاری می توان انجام داد. تا جلوی این خسارت ها گرفته شود. در این حال حدود سیصد زن در حالی که تپانچه های خود را زیر چادرها و لباسشان مخفی کرده بودند مستقیماً به سمت مجلس رفتند و از رئیس مجلس خواستند که اجازه ورود بدهد. این زنان تهدید می کردند که اگر نمایندگان کوتاهی کنند و آزادی ایران را به بیگانگان بفروشند. پسران و شوهرانشان را خواهند کشت."

کل گفتار، شمه ای ناچیز از زنان گذشته این دیار بود. حکایاتی که اگر تا بدین روز بر مسند واقعیت باقی می ماند و به دست فراموشی سپرده نمی شد، دیگر اکنون نیازی به دستاوردهای اندیشه فمینیست های رادیکال نبود. البته با توجه به این مهم که اسناد و مدارک موجود در زمینه شناخت کهن ترین تمدن بشری ناقص و ناچیز است و آنچه که در این زمینه بیان می شود با استفاده از آثار اندک باقی مانده از بقایا و آثار قدیمی ست. و این تنها قسمتی از اصالت فکری و اعتقادی قوم آریایی بود. اکنون در قرن ۲۱ در عصر صنعت و رایانه، اندیشه پاک فرزندان آرتیمیس ها و سمیرامیس ها، در جدال با تفکرات ضد زن رنگ می گیرد.

غرق آموزه "ایسم" های بی پایان و غرق شاخه های رنگ و وارنگ امواج فمینیسم. امروز فمینیسم سوسیالیستی و لیبرالی و فمینیسم سیاه است که به داد ما خواهد رسید و زنان را یاری خواهد کرد؛ و این فمینیسم رادیکال است که زن را در اغراق آمیزترین وضع ممکن همپای مردان قرار می دهد و حق زایش را برای وی ناگوار می پندارد که: حقوق زن با مردی که توانایی زایش ندارد باید یکسان باشد!

همپایی زنان امروز کجا و همراهی آزمدیخت ها و پوران های دیروز کجا؟

منبع: مرکز مطالعات استاد تاریخی ایران